

وضعیت حقوقی پیوند اعضاء

(با مطالعه تطبیقی حقوق آمریکا)

مؤلف

امیر حسین محبی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۷

علايم اختصاری

ق. ا. = قانون اساسی

ق. آ. د. م. = قانون آیین دادرسی مدنی

ق. م. ا. = قانون مجازات اسلامی

ق. م. ع. = قانون مجازات عمومی

ق. م. = قانون مدنی

تقدیم به

پدرم

که سطر سطر کتاب زندگیم را

حکایت می نماید.

مادرم

بانوی تمام غزل های دنیا

صبور

سال های زندگیم.

فهرست مطالب

پیشگفتار

فصل اول

تعاریف و مبانی

فصل دوم:

انعقاد معامله‌ی اعضای بدن و ماهیت حقوقی

آن

فصل سوم

اصل حاکمیت اراده در معامله‌ی اعضای بدن و

وضعیت حقوقی آن

منابع و مأخذ

پیشگفتار

پدیده‌ی نوینی که در اثر پیشرفت چشمگیر دانش پزشکی ظهور یافته و مسایل حقوقی فراوانی را مطرح نموده؛ فرایند پیوند اعضا می‌باشد که امید درمان برای بسیاری از بیماران مبتلا به نارسایی عضو محسوب می‌گردد؛ به جهت افزایش کمی و پیشرفت‌های کیفی پیوند عضو، قانونگذار ایران در سال ۱۳۷۹ خورشیدی، نسبت به وضع قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنها مسلم است؛ همچنین آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، اقدام نموده است؛ فارغ از موضوع اهدا و با وجود شیوع

معامله‌های معوض غیر رسمی میان اعطا کنندگان و دریافت کنندگان اعضای بدن انسان، تاکنون ماهیت قراردادهای مذکور مورد توجه مقنن قرار نگرفته است؛ در اینکه می‌توان برای انتقال عضو از قالب عقد بیع استفاده نمود؛ بین علمای حقوق اختلاف نظر وجود دارد؛ لذا ضمن تبیین ماهیت حقوقی آن، به بحث وضعیت حقوقی چنین معامله‌ای ورود می‌یابیم تا درستی و اعتبار آن، با عنایت به شروط اساسی صحت معامله‌ها استنباط گردد؛ همچنین برای توجیه خرید و فروش عضو، ضرورت دارد شناخت نوع رابطه‌ی حقوقی انسان با اعضای بدنش را تحلیل نمود؛ یکی دیگر از موضوع‌های چالشی در این رابطه،

بحث پیوند عضو به اتباع بیگانه می‌باشد که تا قبل از مصوبه‌ی شورای عالی پیوند اعضا در سال ۱۳۹۳ خورشیدی، محدودیت بارزی وجود نداشت؛ اما با ابلاغ مصوبه‌ی مذکور، پیوند عضو فرد ایرانی به تبعه‌ی بیگانه در بیمارستان‌های ایران ممنوع گشت؛ تحت چنین وضعیتی، در ازای نجات جان بیمار غیر ایرانی به عنوان یک انسان، مرگ وی را در پی خواهد داشت که خود آشکارا معارض با قواعد مسلم شریعت اسلام و وجدان انسانی می‌باشد؛ لذا با فرض مطلوب نهایی بر حفظ کرامت شهروند ایرانی، ممنوعیت مزبور غیر قابل دفاع و توجیه می‌باشد؛ این در

حالی است که به موجب مقررات کشور آمریکا، چنین عملی منع قانونی ندارد؛ بی‌گمان هیچ فقیهی، در صورتی که معطی عضو در معرض هلاکت قرار گیرد؛ پیوند عضو را جایز نمی‌شمارد؛ هرچند شخص معطی، راضی بوده و برای حفظ حیات ستاننده‌ی عضو نیز ضروری باشد؛ مقصود کلی این کتاب، مطالعه‌ی تطبیقی نظام حقوقی پیوند اعضا در کشور ایران و ایالات متحده‌ی آمریکا می‌باشد؛ برای نیل به مطلوب، ضمن تبیین مبنای قانونگذاری آمریکا بر حقوق فردی و مردم سالاری، به شرح قانون جامع اهدای عضو جهت مصارف پزشکی مصوب ۱۹۶۸ میلادی و قانون ملی پیوند عضو مصوب

۱۹۸۴ میلادی دولت مرکزی آمریکا می‌پردازیم؛
تاسیس انجمن ملی تهیه و پیوند اعضا در آمریکا
را مورد تدقیق قرار می‌دهیم؛ سرانجام، با
مقایسه‌ی دو نظام حقوقی، در رفع کمبودها و
نواقص قانونگذاری هر یک، بر خواهیم آمد؛ در
این راستا، به موجب مقررات آمریکا، خرید و
فروش عضو بدن انسان در برابر پول، جرم‌انگاری
شده و دارای ضمانت‌اجرای کیفری می‌باشد که
خود محل تباین با قانون ایران است. حرکت علم
در مسیر تکامل و تلاش مجدانه‌ی عالمان جهت
قدم گذاشتن به عرصه‌ی ناشناخته‌ی علوم، امروزه
شکلی خیره‌کننده یافته است؛ تلاش انسان برای

تحصیل کیفیت بالاتری از زندگی، بر شتاب این حرکت افزوده و حجم انبوهی از اطلاعات علمی، تحقیقاتی و یافته‌های تازه در شاخه‌های گوناگون علوم را فراهم آورده است؛ این جریان، موجب همکاری بیشتر قلمروهای مختلف دانش با یکدیگر شده و تنیدگی و همراهی بیش از پیش علوم با یکدیگر را موجب شده است؛ تلاش برای حفظ سلامت و افزایش حیات آدمی، مصداقی قابل توجه در این زمینه است؛ برای نیل به آن هدف، علاوه بر مسایل پزشکی، نیاز به پاسخ بسیاری از پرسش‌ها در ابعاد مختلف اجتماعی، مهندسی، دینی، حقوقی و اخلاقی داریم؛ از جمله‌ی این موارد، برداشتن عضو و

انتقال آن به بیماران نیازمند است. پیوند اعضا، در قرن اخیر، گستردگی خاصی داشته است؛ جهت رسمیت یافتن این موضوع، بحث‌های عمیق حقوقی و فلسفی در گرفته است؛ چرا که مسأله‌ی انتقال اعضا، از یک سو مستلزم تصرف در بدن و حق انسان بر تمامیت جسمی خویش است و از سوی دیگر، کوشش برای انتقال اعضا، نوع خاصی از روابط و ملاحظات حقوقی و اقتصادی را پدید آورده است؛ علاوه بر این، روزانه هزاران انتقال عضو در سرتاسر جهان انجام می‌شود که در بسیاری از آن‌ها، فارغ از جنبه‌ی ایثار و فداکاری که زیباترین اثر هنری انسان است

انگیزه‌های مادی و اقتصادی به چشم می‌خورد؛ هر چند شناخت سرچشمه‌های این امر، یعنی مادی شدن انتقال اعضا، بر عهده‌ی جامعه‌شناسان و علمای اقتصاد است؛ اما علم حقوق به عنوان تنظیم‌کننده‌ی روابط بین انسان‌ها و حافظ شخصیت انسان،^۱ موظف به شناخت جنبه‌های این روابط و تنظیم ارتباط آن با شخصیت و منافع اجتماعی است. اهمیت بررسی حقوقی این مساله، هنگامی آشکارتر می‌شود که در می‌یابیم سایر کشورها، علاوه بر بحث‌های نظری و حقوقی در این خصوص، اقدام به تقنین و انجام اقدامات

^۱ - کاتوزیان، ناصر، مقدمه‌ی علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چ ۵۳، ۱۳۸۵، انتشار، ص ۴۰.

اجرای توسط دولت‌ها نموده‌اند؛ در حالیکه ضعف و کندی در هر دو عرصه‌ی نظری و عملی، در کشور ما موجود و مشهود است. در کنار مسایل پیش گفته، با عنایت به فرهنگ اصیل اسلامی حاکم بر جامعه‌ی ما و با توجه به اینکه بسیاری از دست‌اندرکاران و مبتلایان به این امر، اعم از بیماران و پزشکان، با احتمال وجود معذورات اخلاقی و شرعی، تن به انجام پیوند و معامله‌ی اعضای بدن نخواهند داد؛ ضرورت بررسی فقهی موضوع و تفحص در فتاوی علمای دینی آشکار می‌شود؛ ضعف‌های موجود در عرصه‌ی تقنین و دکترین حقوقی نیز ایجاب

می‌نماید که برای جبران کاستی‌ها و نواقص موجود، مطالعه‌ی تطبیقی در هر دو زمینه صورت پذیرد؛ وجود قوانین مدون و پیشینه‌ی علمی موجود در این خصوص، در کشور ایالات متحده‌ی آمریکا، نگارنده را به انتخاب حقوق آن کشور برای بررسی تطبیقی موضوع با حقوق ایران ترغیب نمود.

الف) انگیزه‌ی انتخاب موضوع

نارسایی اعضا وضعیت اسفناکی است؛ پیوند عضو در آخرین مرحله از زندگی، امید درمان می‌دهد به بسیاری از بیمارانی که مبتلا به نارسایی عضوی از بدن می‌باشند و برای برخی از آنها، این عمل روشی برای نجات زندگی است؛

به نظر می‌رسد بهترین تعریف برای پیوند عضو، برداشت و انتقال دادن بافت یا عضو به بدن موجود زنده برای ترمیم بافت‌های آسیب دیده‌ی غیر قابل ترمیم و یا جایگزینی، برای اعضای از کار افتاده می‌باشد؛ قبل از لغو بردگی در بسیاری از کشورها، بشر موضوع معامله بوده است؛ تا آنکه با استدلال به شان و کرامت انسانی، موجبات لغو بردگی فراهم گردید؛ اما نوع نوینی از آن دوباره پا به عرصه‌ی ظهور گذاشت؛ این نوع از بردگی مدرن، خرید و فروش اعضا و بافت‌های بدن انسان است؛ انسان‌ها گاه برای درمان یک بیمار اقدام به اهدای عضو خویش و

گاه از روی فقر و برای رفع نیازهای مادی، اقدام به فروش اعضای خود می‌نمایند؛ در این میان، عده‌ای بیمار نیازمند و رنج کشیده هستند که برای رهایی از رنج بیماری، اقدام به دریافت و یا خرید عضو می‌کنند؛ بدین صورت عمل خرید و فروش عضو صورت می‌پذیرد؛ بنابراین برداشت عضو از یک انسان زنده و پیوند آن به دیگری، موضوع بسیار حساس و پیچیده‌ای است که مورد نظر مقنن قرار گرفته است؛ همچنین امروزه شاهد این هستیم که پیشرفت‌های علم پزشکی در عرصه‌ی حقوق پزشکی، به عنوان یکی از شاخه‌های علم حقوق، تاثیر چشم‌گیری داشته است؛ به نحو غالب، ارزش‌های مذهبی و فرهنگی در

یک جامعه، تاثیر بسیار زیادی بر نظام مقررات پیوند عضو دارند؛ به طور کلی، دو سیاست قانونگذاری نسبت به مساله‌ی انتقال اعضا در کشورهای مختلف جهان اتخاذ می‌شود که عبارتند از:

● نظامی که در آن، اصل بر عدم رضایت است: در این نظام، مردم ملتزم به بیان صریحی هستند که تمایل آنها را برای اهدای عضو نشان دهد.

● نظامی که در آن، اصل بر رضایت پیش فرض است: در این نظام، مردم باید مخالفت خود را برای اهدای عضو اعلام و ثبت

نمایند؛ در غیر این صورت به طور خود کار،
در زمان مرگشان اهدا کننده محسوب
می شوند.¹

موفقیت در فرایند پیوند عضو و جلوگیری
از سوء استفاده در این زمینه، تقنین قانون پیوند
عضو را ایجاب می کند؛ به دنبال آن، قانونگذار
ایران نسبت به وضع «قانون پیوند اعضای بیماران
فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم
شده است» و نیز «آیین نامه‌ی اجرایی پیوند
اعضای بدن» به عنوان قانونی خاص در زمینه‌ی
انتقال اعضا، اقدام نموده است؛ اما تکلیف قانونی

¹ - Arthur, Chern, Regulation of Organ Transplants: A
Comparison Between the Systems in the US & Singapore, Digital
Access to Scholarship at Harvard, 2008, p11.

معامله‌هایی که در این زمینه در جامعه رخ می‌دهد مشخص نشده است که خود می‌تواند عاملی برای بروز اختلاف نظر میان دکترین حقوق و همچنین فقها گردد و به عنوان خلا قانونی مورد بررسی قرار گیرد. در وادی نخست، آنچه دست مایه‌ی تحقیق حاضر قرار گرفته است؛ بررسی وضعیت حقوقی چنین معامله‌هایی از منظر قوانین موضوعه‌ی حاکم بر کشورمان ایران می‌باشد؛ به دنبال آن، ماهیت حقوقی معاملات معوضی مد نظر است که در اکثر موارد، به شکل غیر رسمی میان گیرندگان و دهندگان اعضای قابل انتقال بدن صورت می‌گیرد؛ در حقیقت معامله‌های

مذکور، بیشتر در قالب قراردادهایی چون هبه انجام می‌شوند و در نتیجه، جنبه‌ی مالی آنها پنهان می‌ماند؛ این ظاهر موجه، نباید از سوی علم حقوق مورد پذیرش یا غفلت واقع شود و ضرورت دارد با وضع مقررات و ابراز نظریه‌های حقوقی، جامعه را با اثرات و توالی ناشی از این دست معامله‌ها آشنا ساخته و به مسیر صحیح سوق دهد.

بنا به اینکه اهدای عضو، مسبوق به مطالعات و تحقیق‌های مرتبط می‌باشد؛ تمرکز اصلی این پژوهش، معامله‌های معوض در خصوص اعضای بدن نیز می‌باشد؛ از آنجا که هدف اصلی قانونگذار حفظ منافع عمومی و نظم

عمومی است و تقنین قوانین برای تنظیم مقررات پیوند عضو، عملی بسیار حساس و حیاتی می‌باشد که باید به دقت مورد توجه قرار گیرد؛ ضرورت دارد قانون متعادلی تصویب شود که از لحاظ بالینی، نیازهای بیماران را در نظر گیرد؛ از لحاظ حقوقی، جهت حفظ نظم بی‌نقص باشد؛ از لحاظ اداری، برای دستیابی به کیفیت خوب با هزینه‌های مقرون به صرفه کارآمد و از لحاظ اخلاقی، مقبول باشد که منجر به هماهنگی جامعه شود. به دلیل اینکه مطالعه‌ی تطبیقی، روشی است که امکان طرح و بهره‌برداری از دستاوردهای یک نظام حقوقی را فراهم می‌آورد؛ به مطالعه‌ی

تطبیقی موضوع مورد بحث با حقوق آمریکا، در جایگاه یک نظام حقوقی پیشرفته، پرداخته شده است تا بدین ترتیب، با پی بردن به چالش‌ها و ضرورت‌های هر یک از نظام‌های حقوقی، در صدد اصلاح و تکمیل آنها برآییم.

(ب) اهداف تالیف این اثر علمی

ضرورت موضوع خرید و فروش عضو به این علت است که انسان شان و کرامت خود را به فراموشی می‌سپارد تا اقدام به رفع نیازهای مادی خویش نماید؛ در حقیقت این دسته از انسان‌ها، به عنوان یک کالا با اعضای خود برخورد می‌نمایند و به هنگام نیاز مالی، روی آن حساب باز می‌کنند؛ عدم وجود قوانین و مقررات مدون در

خصوص معامله‌ی اعضای بدن، تحقیق در این موضوع را ضروری می‌کند؛ تلاش برخی از کشورها در جهت شناسایی و تحلیل معامله‌ی اعضای بدن و قانونگذاری در این خصوص، تحقیق‌های گسترده‌ای طلبیده که کمبود آن در حقوق ایران احساس می‌شود؛ علاوه بر آن، کمبود عضو و پیش گرفتن سیاست‌های ناصحیح برای حل آن، موجب شده است چالش‌های فراوانی فرا روی پیوند اعضا قرار گیرند که هر یک از این چالش‌ها، یک انگیزه برای انتخاب موضوع توسط محققان می‌باشد؛ این در حالی است که شیوع غیر رسمی معامله‌ی اعضای بدن،

که نمونه‌ی آن، آگهی‌های غیر رسمی فروش اعضای بدن می‌باشد؛ لزوم تصویب قانونی پیرامون وضعیت و ماهیت حقوقی چنین معامله‌ای را ضروری ساخته است.

مقصود نگارنده از تالیف این کتاب، نیل به اهداف ذیل می‌باشد:

- بحث در مورد اصول کلی مقررات پیوند عضو و ضرورت کنترل قانونی فرایند پیوند عضو.

- بررسی مفهوم انتقال اعضا و ماهیت حقوقی معامله‌ی اعضای بدن.

• بررسی رابطه‌ی حقوقی میان انسان و

اعضای بدنش، طبق منابع حقوقی ایران.

• شناخت و رفع موانع حقوقی و فقهی

معامله‌ی اعضای بدن.

• مطالعه‌ی تطبیقی موضوع، در منابع

حقوقی کشور آمریکا.

ج) پرسش‌های تحقیق

این کتاب، در پی پاسخگویی به پرسش‌های

مشخصی می‌باشد که عبارتند از:

پرسش اصلی:

۱ - چه قالب حقوقی برای واگذاری اعضای

بدن، به منظور پیوند عضو، مناسب تر است؟

پرسش های فرعی:

۱ - وضعیت حقوقی معامله ی اعضای بدن در

حقوق ایران، چیست؟

۲ - حق انسان یا ورثه ی وی بر اعضای خود،

در چه قالبی قابل تحلیل است؟

۳ - پیوند عضو در حقوق آمریکا بر چه مبانی

حقوقی استوار گردیده و دارای چه ماهیتی

می باشد؟

(د) فرضیه های تحقیق

اکنون و متعاقب تبیین پرسش‌های تحقیق که در خصوص موضوع این اثر علمی قابل طرح می‌باشد؛ به اختصار نسبت به تبیین فرضیه‌هایی می‌پردازیم که امید داریم متعاقب به سرانجام رسانیدن تالیف کتاب، توانسته باشیم به اثبات آنها پردازیم.

فرضیه‌ی اصلی:

۱ - صورت بیع، جعاله و هبه‌ی معوض بر پیوند عضو، قابل تصور به نظر می‌رسد.

فرضیه‌های فرعی:

۱ - معامله‌ی اعضای بدن از دیدگاه نظام حقوقی ایران، صحیح به نظر می‌رسد.

- ۲ - حق انسان یا ورثه‌ی وی بر اعضای خود،
در قالب مالکیت، قابل تحلیل به نظر می‌رسد.
- ۳ - به نظر می‌رسد مبنای حقوقی ایالات
متحده در خصوص واگذاری اعضا، بر حقوق
فردی، استوار بوده و دارای ماهیت هبه‌ی معوض
باشد.

فصل اول

تعاریف و مبانی

در این فصل از نوشتار، به مباحث مقدماتی در بحث انتقال اعضا پرداخته می‌شود؛ نظر به اینکه مباحثی مانند مفهوم پیوند عضو، مرگ، اشکال مختلف پیوند، در شمار اموری است که می‌تواند زمینه‌ی بررسی احکام حقوقی و فقهی موضوع را تبیین نماید؛ در فصل پیش‌رو، ذیل سه مبحث، به اختصار مفاهیم فوق را در کنار شناخت تاریخی موضوع، تبیین خواهیم نمود.

مبحث نخست، به عنوان آغاز و مطلع کلام، شایسته است؛ مروری کوتاه بر جوانب و سیر

تاریخی موضوع انتقال عضو باشد؛ از اینرو و جهت تکوین سابقه‌ای هر چند مختصر از نقل و انتقال اعضا، به تاریخچه‌ی آن در حیطه‌ی جهان و ایران، ذیل دو گفتار اشاره می‌نماییم.

دومین مبحث از این فصل، به تعاریف مصطلح در روند پیوند عضو، ذیل دو گفتار در بررسی حقیقت مرگ پرداخته شده است.

در مبحث سوم و پایانی این فصل نیز به مبانی رابطه‌ی حقوقی انسان با اعضای بدنش می‌پردازیم و مطالب مندرج در آن را ذیل گفتار اول، با عنوان شناخت مفاهیم ملکیت و حق، سپس در گفتار دوم، تحت عبارت معامله‌ی

اعضای بدن در قلمرو حقوق مربوط به شخصیت،
شرح می‌نماییم.

مبحث اول) سیر تاریخی پیوند اعضا:

سرآغاز هر پژوهش، نباید از اهمیت و نقش
تاریخچه در تعریف موضوع غافل ماند؛ از اینرو،
مبحث نخست را در سیر تاریخی پیوند اعضا،
ذیل دو گفتار شرح می‌نماییم؛ ابتدا در گفتار
اول، سابقه‌ی تاریخی پیوند عضو از بدن انسان به
بدن انسان دیگر را در حیطه‌ی بین‌المللی بررسی
نموده؛ سپس در گفتار بعدی، آن را در حیطه‌ی
کشورمان ایران تبیین می‌نماییم.

ریشه‌ی اصلی بسیاری از معضل‌های اجتماعی و حقوقی، محدود بودن منابع تامین نیازهای نامحدود انسان است؛ در حقیقت در این حالت، تقاضای موجود بر عرضه، پیشی می‌گیرد که در نهایت می‌تواند منجر به برخی ناهنجاری‌های اجتماعی شود؛ این مساله در بحث پیوند اعضا، می‌تواند از یک سو به علت محدودیت منابع مالی و از سوی دیگر، به علت محدودیت تعداد عضوهای عرضه شونده باشد؛ تعداد افرادی که در صف انتظار پیوند قرار دارند؛ با سرعت بسیار بیشتری از تعداد افراد عرضه کننده اعضا، در حال افزایش است؛ این مساله موجب بروز آشفته‌گی‌هایی شده است که برای رفع آن‌ها و سر

و سامان دادن به مسایل ایجاد شده؛ صحبت از ایجاد بانک اعضا به میان آمده است.^۱

علاوه بر مسایل کلی فوق، ملاحظات خاصی نیز در رابطه با پیوند اعضا وجود دارد؛ براساس پیشرفت‌های علم پزشکی، انجام برخی پیوندها، تنها از عضو زنده ممکن است و تاکنون زمینه‌ی انتقال این اعضا، از افراد مرده فراهم نشده است؛ این امر که در پیوند مغز استخوان به وضوح دیده می‌شود؛ محدودیت اولیه‌ی پیوند اعضا را تشدید می‌کند؛ علاوه بر آن، تحقیق‌ها نشان داده است؛

^۱ - نفر، محسن، معرفی و تشریح سیستم پیشنهادی Organ Sharing در ایران، مقالات اولین همایش سراسری پیوند اعضا از افراد دچار مرگ مغزی، ۱۳۷۹، ص ۳۳-۳۰.

درصد بروز اختلال در پیوندهای اعضا، از افراد زنده به مراتب کمتر از پیوند اعضا از جسد می‌باشد؛^۱ همچنین اثرهای مثبت و شرایط بهینه‌ای که قبل از انجام عمل، از انسان زنده وجود دارد؛ باعث کاهش عوارض احتمالی شده و در مجموع، شرایط بهینه‌ای را در مقایسه با پیوند از جسد ایجاد می‌کند.^۲

محدودیت‌های موجود در انتقال عضو از انسان زنده، که مهم‌ترین آن‌ها، وابسته بودن حیات فرد

^۱ - کلیمیان، زهرا، نحوه‌ی گرفتن رضایت از بستگان فرد مبتلا به مرگ مغزی، مقالات اولین همایش سراسری پیوند اعضا از افراد دچار مرگ مغزی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۵.

^۲ - شکور، عباس، مرگ مغزی پیوند اعضا مردم، مقالات اولین همایش سراسری پیوند اعضا از افراد دچار مرگ مغزی، ۱۳۷۹، ص ۱۹.

زنده به برخی اعضای خود می‌باشد؛ باعث شده است بحث انتقال اعضا از افراد مرده، جدی‌تر دنبال شود؛ وقتی سرنوشت اعضای جسد، از بین رفتن و فنا شدن است و از سوی دیگر، قابلیت دریافت بعضی از اعضای انسان زنده به دلیل پیش گفته وجود ندارد؛ بدیهی است که برای پیوند اعضایی چون لوزالمعده، کبد و قلب، گریزی جز تامین عضو از اجساد و مبتلایان مرگ مغزی نیست؛ عوارض و نقایصی که پس از پیوند، بر شخص عضو دهنده ایجاد می‌شود؛ باعث شده در درجه‌ی اول، مباحث فکری و نظری موضوع مورد اهتمام جدی قرار گیرد و در درجه‌ی دوم،

ترویج و تشویق به انجام این پیوندها که در گرو رضایت اولیای دم می‌باشد؛ جدی‌تر از قبل دنبال شود؛ این مهم در کشور ما که رفتار بسیاری از مردم بر مبنای اعتقادات و باورهای دینی است؛ دشوارتر بوده و حل و فصل مباحث شرعی و فقهی آن، می‌بایست توسط علما و محققین انجام شود.

گفتار اول) تاریخچه در عرصه‌ی جهانی:

انسان در مواجهه با آنچه سلامت وی را به خطر می‌اندازد؛ همسو با سایر علوم، گام‌های تازه‌ای بر می‌دارد و برای رهایی از این خطرها و آسیب‌ها، دست به ابتکار جدید می‌زند؛ این دست‌تلاش‌ها،

راه و روش‌های تازه‌ای را خلق می‌کند که علاوه بر ایجاد پیشرفت‌ها و ابتکارات جدید در علم پزشکی، موجب جریان یافتن سرفصل‌ها و مباحث تازه‌ای در سایر شاخه‌های دانش نیز می‌شود.

پیوند اعضای سالم بدن انسان، اعم از زنده و مرده، یکی از این گام‌های ارزنده است؛ با مطالعه‌ی کتب تاریخی درمی‌یابیم؛ پزشکان قدیم از پیوند اعضای بی‌اطلاع نبوده‌اند؛ دو کشور چین و هند در این خصوص پیشگام بوده‌اند؛ اولین نشانه‌های این نوع پیوند، در کتب سانسکریت و

متعلق به قرن دوم و سوم قبل از میلاد است؛^۱ آثار علمی اروپاییان، به خصوص روم باستان که روزگاری مهد پزشکی اروپا بوده است؛ منبعث از همان کتب عتیق است؛ در سده‌های دوم و سوم میلادی، فعالیت‌هایی در راستای پیوند اعضا، در اروپای قدیم آغاز شد؛ نخست، اغلب اعضایی که امر گردش خون در آنها منتفی بود مورد آزمایش قرار می‌گرفت.^۲

در این حین، در کنار فعالیت‌های آزمایشگاهی پزشکان، مکاتب و جریان‌های فکری در عرصه‌ی علم پزشکی به وجود آمد که موجب

^۱ - لاریجانی، باقر، پیوند اعضا، ج ۱، ۱۳۸۲، برای فردا، ص ۲۱.

^۲ - همان، ص ۲۱.

تسریع در تحقق پیوند اعضا شد؛ به طور مثال در قرن یازده میلادی، در ایتالیا مکاتب متعددی در امور پزشکی ایجاد شد که موجب وجاهت یافتن پیوند و حرکت رو به جلوی اعمال جراحی شد؛ با استمرار جریان‌های فکری و فعالیت‌های پزشکی، در قرن هیجده میلادی، جان هانتز توانست در آزمایشگاه، یک عضو دو پرنده را بدون اینکه علامتی از پس زدگی باشد پیوند بزند؛^۱ وی به عنوان پدر جراحی تجربی، توانست یک دندان آسیای کوچک را پس از خارج

^۱ - صادقی، محمدرضا، بررسی حقوق اهدا و پیوند عضو در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۲، ص ۱۴.

کردن، سر جای خود بگذارد؛ پس از پیوند اعضای بدون جریان خون، روش جدیدی مبتنی بر لخته کردن عروق، توسط گروهی از کاوشگران انجام شد و پیوند عروقی محقق گشت؛^۱ بدین وسیله، با دریافت صحیح خون توسط عضو پیوندی، راه پیوند عضو هموار شد و رو به گسترش نهاد.

سرانجام و پس از کشف داروهای مهارکنندهی قوای ایمنی فرد گیرنده، در سال ۱۹۵۵ میلادی، اولین پیوند موفق کلیه، در یکی از بیمارستانهای بوستون آمریکا انجام شد و در دسامبر ۱۹۶۸ میلادی، اولین پیوند قلب انسان در آفریقای

^۱ - لاریجانی، باقر، پیشین، ص ۲۲.

جنوبی صورت گرفت؛ به دنبال آن، پیوند سایر اعضا، نظیر لوزالمعده، کبد، ریه، مغز استخوان و ... در دهه‌ی هشتاد میلادی آغاز و گسترش یافت.

گفتار دوم) تاریخچه در کشور ایران:

هزینه‌های هنگفت برنامه‌ی همودیالیز بیماران کلیوی، مقامات بهداشتی ایران را بر آن داشت؛ در زمینه‌ی راه اندازی «پیوند اعضا» تلاش کنند؛ اولین پیوند قرنیه در ایران، سال ۱۳۳۵ خورشیدی در تهران، با موفقیت انجام شد و در سال ۱۳۴۷ خورشیدی، اولین پیوند کلیه در شیراز انجام گرفت.

اولین پیوند کلیه‌ی اهدایی از اعضای خانواده، در ایران سال ۱۳۴۷ خورشیدی و همزمان در شیراز اولین پیوند کلیه از جسد، صورت پذیرفت؛ قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۶۰ پیوند کلیه در ایران انجام شد و بیشتر کلیه‌ها، از اروپا توسط شبکه‌ی کاشت و پیوند اروپایی، با قیمت جهانی ۸۰ الی ۱۰۰ هزار دلار وارد می‌شد؛ پس از انقلاب اسلامی، پیوند به مدت چند سال به طور کلی متوقف شد؛ تا اینکه از سال ۱۳۶۴ به همت انجمن خیریه‌ی حمایت از بیماران کلیوی ایران، پیوند کلیه در ایران شتاب گرفت و با آموزش تیم‌های مختلف پیوند توسط این مرکز، مراکز پیوند متعددی در دانشگاه‌های ایران راه

اندازی شد و طی سال‌های ۶۴ الی ۶۹ خورشیدی، حدود ۱۳۰۰ مورد پیوند کلیه در ایران انجام شد؛ که بیشتر از منابع دهنده‌ی زنده‌ی خویشاوند و غیرخویشاوند بوده و بر همین اساس است که امروزه انجمن خیریه‌ی حمایت از بیماران کلیوی ایران، به عنوان بانی و بنیانگذار پیوند اعضا در کشورمان مطرح می‌باشد؛ اولین پیوند قلب در سال ۱۳۷۲ خورشیدی، در شهر تبریز، شیراز و تهران انجام شد؛ اولین پیوند کبد در شیراز و نیز اولین پیوند مغز استخوان در تهران، همان سال صورت پذیرفت؛ همچنین اولین بخش پیوند مغز استخوان در شیراز دایر

گردید؛ هم اکنون نیز مانند سایر مراکز پیشرفته‌ی دنیا، این بخش در ایران فعال می‌باشد؛^۱ با این حال، ذکر این نکته ضروری است؛ علیرغم اینکه روزانه با موارد بسیاری از مرگ مغزی در کشورمان روبه‌رو هستیم؛ برداشت عضو از جسد، به عنوان امری شایع شناخته نمی‌شود و بنابر ادعا، بیشترین مرگ مغزی و کمترین انتقال عضو را در ایران داریم؛ به طور مثال در حالیکه آمار اهدای عضو از بیماران مرگ مغزی، در جهان ۳۵ نفر به ازای یک میلیون نفر است؛ این آمار در ایران، سال ۱۳۸۵ خورشیدی، ۱/۷ نفر به ازای هر

^۱ - همان، ص ۲۲.

میلیون اعلام گشت؛^۱ کشورهای دیگر درخصوص اهدای عضو به افراد نیازمند، فعالیت‌هایی را انجام داده و تدابیر ویژه‌ای در این خصوص اندیشیده‌اند؛ در بعضی کشورهای اروپایی نیز درصد قابل توجهی از افراد، در زمان حیات خود، راضی به این امر می‌شوند.

با تلاش‌های صورت گرفته و پرداختن به مساله‌ی اعطای عضو در رسانه‌ها، به منظور بالا بردن اطلاعات پزشکی در این زمینه و شفاف سازی موضوع در جامعه، سال‌های اخیر با

^۱ - مصاحبه با امید قبادی، مسئول واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه شهید بهشتی، روابط عمومی مرکز پزشکی مسیح دانشوری،

محوریت تهیهی «کارت اهدای عضو»، میانگین اهدای عضو در ایران به ۲/۹ نفر در یک میلیون رسیده است؛^۱ دلیل این امر، علاوه بر ضعف فرهنگی و اجتماعی در موضوع پیوند اعضا، کمبود قوانین و کندی نظام تقنینی کشور می‌باشد؛ قابل توجه است که قانون استفاده از اعضای بدن متوفی، سال ۱۹۷۰ میلادی در آمریکا به تصویب رسیده است؛ در حالیکه لایحه‌ی مربوط به همین امر در کشورمان، سال ۱۳۷۲ خورشیدی در مجلس شورای اسلامی رد شد که مجدد در سال ۱۳۷۸، با دفاع حقوقدانان و

^۱ - مصاحبه با محمدحسین قاسمی، مدیر واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی استان یزد، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۶/۹/۱۶.

فقها، به تصویب مقدماتی و در سال ۱۳۷۹، تحت عنوان «ماده واحده قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است»، به تصویب نهایی و تایید شورای نگهبان رسید؛^۱ هر چند این مصوبه، تا حدی راهگشا و مفید بوده؛ اما از آنجا که باورهای عمومی جامعه، رشد همزمان و موزونی با آن نداشته است؛ هنوز افکار عمومی پذیرش کامل در خصوص موضوع پیوند از متوفیان یا افراد دچار مرگ مغزی را ندارند.

^۱ - منتشره در روزنامه‌ی رسمی جمهوری اسلامی ایران، ش ۱۱۳۶۹،

مبحث دوم) تعاریف مصطلح در روند

پیوند عضو:

در اصطلاح عرفی، پیوستن دو شیء یا شخص نامتجانس را پیوند می گویند؛ جبران نقص جزئی یا کلی کارکرد هر یک از اعضای بدن انسان، به وسیله‌ی جایگزینی آن با یک عضو مصنوعی و یا طبیعی حیوانی یا انسانی را می‌توان تعریف پزشکی پیوند نام نهاد؛ در این فرایند، انتقال دهنده، انتقال گیرنده و عضو سالم، نقش اساسی دارند؛ از اجتماع دسته‌های سلولی و متحدالشکل، یک بافت به وجود می‌آید؛ بافت، مجموعه‌ای از سلول‌های هم شکل است که در یک جهت و برای انجام عمل مشترک، تکامل یافته‌اند؛ از

اجتماع چند بافت، یک عضو ایجاد می‌شود؛ عضو نیز یکی از واحدهای ساختمان بدن است که نقش یا نقش‌های ویژه‌ای دارد؛ با دقت در نظر حقوقدانان و فقها در بحث انتقال اعضا، در می‌یابیم که صحت انجام پیوند یا معامله‌ی اعضای بدن، مقید به قیودی راجع به نقش و کارکرد اعضای بدن در حیات جسمی انسان شده است؛ متعاقب این شرط، یعنی نقش ویژه‌ی هر عضو بدن، می‌توان آنها را به اقسام زیر تفکیک نمود:

• اعضای رئیسه و غیر رئیسه: مراد علما از

اعضای رئیسه، اعضایی است که فقدان آنها